

## اصطلاحات و واژه‌شناسی مرمت\*

## چکیده

واژگان مطرح در مرمت و مرمت شهری در جهان، تعاریف گوناگونی دارند که با توجه به بستر فضایی و زمانی مربوط به آن، معانی متفاوتی می‌یابند. این مقاله به منظور حصول به معنایی خاص بر آن شد تا به تعریف و تشریح مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات مطرح در مرمت شهری پردازد، تا از آن ره بتواند به خلق زبانی مشترک بانجامد و باکار بست آن به هماهنگی، تکمیل و هم سویی اقدامات و مداخله‌های مرمتی شهری به صورت هم‌زمانی و در زمانی کمک نماید.

## واژه‌های کلیدی

مرمت، معاصر سازی، تعمیر، نگهداری، بهسازی، نوسازی، بازسازی، بازیافت، مراقبت، جلوگیری و ضمانت، حمایت، استحکام بخشی، توانبخشی، بهبود، سازماندهی و باز آبادانی، تجدید حیات، انطباق، به روز کردن، تبدیل، دگرگونی، حفاظت، نوشدن، احیاء، تخریب، پاکسازی، آواربرداری، دوباره سازی، الگویابی مجدد، «یکپارچه سازی» و «وحدت مجدد»، «بیان متفاوت» و «موقعیت دوباره یافتن».

مرمت اقدامی است آئینی، مستمر و آگاهانه که به منظور معاصر سازی، جلوگیری از فرسایش و فرسودگی و طولانی کردن عمر بنا، مجموعه یا بافت صورت می‌پذیرد. این اقدام، شامل مجموعه مداخله‌هایی است که در شرایط متفاوت معانی مختلفی به خود می‌گیرد، گو اینکه نمی‌توان آنرا با یک روش مشخص، در زمانها و شرایط متفاوت به کار گرفت. این جو حاکم بر سر تعاریف و واژگان مطرح در مرمت و مرمت شهری سبب شده است تا دیدگاه‌ها و نظرهای متفاوتی در این زمینه مطرح گردند که خود سرمنشاء اختلاف نظرهای مختلف مربوط به آن می‌باشد. از این رو، آن چه در پی می‌آید، مجموعه تعاریف مطرح در زمینه مرمت شهری است که با توجه به زمینه‌های موجود آن در بافت‌ها و فضاها شهری ایران و دیدگاه نویسندگان این مقاله تدوین یافته است.

## ● معاصر سازی (Regeneration)

معاصر سازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی)

\*\*\*- این مقاله حسب نظر مؤلف، بدون ویرایش ارائه شده است.  
\*\*\*- استاد گروه شهرسازی دانشگاه تهران  
\*\*\*- دستیار تدریس و دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران

دکتر سید محسن حبیبی \*\*\*  
ملیحه مقصودی \*\*\*

منجر می‌گردد. در این اقدام، فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوری و معنایی را با فضای قدیم نیز به نمایش می‌گذارد. این واژه به معنای «تجدید نسل» و «از نو سربرآوردن» نیز می‌باشد که در واقع به معنای نو شدن و به روز آمدن می‌باشد گو اینکه این اقدام می‌تواند ضمن شباهت‌های ظاهری از تفاوت‌های رفتار و هنجار نیز برخوردار باشد و خود دارای شخصیت و هویتی مستقل می‌باشد.

### ● تعمیر (Repair)<sup>(۱)</sup>

تعمیر در برگیرنده مجموعه دخالت‌هایی است که جملگی آنها سعی در بهبود وضعیت کالبدی فضای شهری دارند. تعمیر، گاهی به صورت مقطعی و زمانی به شکل مداوم انجام می‌پذیرد. این واژه در برگیرنده مداخله‌هایی است که باعث افزایش عمر فضای شهری، مجموعه و یا بنا می‌گردد. اقدامات مربوط به تعمیر معمولاً به صورت مداوم صورت می‌پذیرد.

### ● نگهداری (Maintenance)

نگهداری نگرشی فراتر از تعمیر به اثر دارد. نگهداری، به روز بودن اثر را در نظر قرار می‌دهد و در برگیرنده مجموعه دخالت‌هایی است که سعی در بهبود وضعیت فضای شهری (فعالیت + کالبد) و معاصر سازی آن دارند.

### ● بهسازی (Rehabilitation)

بهسازی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که با اندک تغییراتی در فعالیت، موجبات افزایش عمر اثر را فراهم می‌گرداند، در هر یک از اقدامات مربوط به بهسازی، مداخله‌ای چشمگیر در کالبد صورت نمی‌گیرد. زیرا کالبد در شرایط مناسبی به سر می‌برد و تنها با جایگزینی عملکرد مناسب فعالیت، از فرسایش فضای شهری جلوگیری می‌شود. بنابراین، با ایجاد تغییراتی در فعالیت‌های شهری، می‌توان شاهد فضاهای شهری مطلوب بود. باید توجه داشت که عمل بهسازی در معاصر کردن فضای شهری نهفته است و نه در باز تولید فضای شهری گذشته.

### ● نوسازی (Renovation)

نوسازی در برگیرنده مجموعه اقداماتی است که با تغییرات برنامه‌ریزی شده در کالبد، علاوه بر طولانی شدن عمر اثر، به احیای آن نیز مدد می‌رساند. در نوسازی بر فعالیت دائمی فضا تأکید شده و با ایجاد تغییراتی در کالبد، آن را معاصر می‌کند؛ و

به ایجاد فضای شهری مناسب منجر می‌شود، پس، نوسازی شهری نیز سر در معاصر سازی دارد. این عمل برخلاف بهسازی، می‌تواند به ایجاد فضاهای شهری جدیدی بینجامد و به گفت و گوی خلاق بین گذشته و آینده مدد رساند.

### ● بازسازی (Reconstruction)

عمل تخریب<sup>(۲)</sup> و ساخت مجدد یا دوباره سازی سعی بر آن دارد تا با جایگزینی ساخت جدید بر روی ساخت قدیم و با تأکید بر سه ویژگی اصلی شهر (شالوده، نماد و مرکزیت) فرسودگی ایجاد شده در کالبد، فعالیت و فضای شهری را از بین برده و فضای شهری معاصری ایجاد کند. مجموعه اعمال انجام شده تخریب و ساخت مجدد را می‌توان در قالب اقدامات مربوط به بازسازی گنجانند. بازسازی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که پس از تخریب بیش از نیمی از اثر، مجدداً اثری با چهره‌ای جدید و یا کاملاً منطبق با اصل خویش، ساخته شود. معمولاً عمل بازسازی را «به هنگام آتش سوزی، زمین لرزه یا جنگ به کار می‌برند»<sup>(۳)</sup> در بازسازی، عمل تخریب و ساخت مجدد صورت می‌پذیرد تا فضای شهری را در شرایط معاصر تعریف مجدد کند. در این حالت، فضای شهری در چهره‌های جدید یا در صورت اصل خویش، روابطی کاملاً جدید را بیان می‌کند.

### ● بازیافت (Recupration)<sup>(۴)</sup>

بازیافت به آن دسته از اقداماتی اطلاق می‌شود که با حداقل هزینه و حداقل مداخلات، به ایجاد شرایط زیست بهینه در فضای شهری منجر گردد. در واقع بازیافت به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که شرط دوام و بقای فضای شهری را در محیط پیرامونش بیشتر کند. بازیافت سعی در حل

۱- تعمیر از لحاظ لغوی در فرهنگ لغات دهخدا به معنای زندگی‌دانی دادن، زندگی‌دانی دراز دادن، اصلاح کردن، طول عمر دادن، به بقای دراز موصوف کردن، به عمر دراز متصوف کردن، بقای دراز خواستن است. در فرهنگ لغات معین، به معنای آباد کردن، عمارت کردن، مرمت کردن خرابی، زندگی‌دانی دادن، زندگی‌دانی دراز دادن، آبادانی و مرمت است. در فرهنگ آندراج، به معنای زندگی‌دانی دادن، عمر دراز خواستن. به عمر دراز خواستن، به عمر دراز متصوف کردن و آباد ساختن است.

۲- در فرهنگ دهخدا، تخریب به معنای ناباد کردن چیزی را، ویران کردن و خراب کردن است. در فرهنگ معین، تخریب به معنای خراب کردن، برهم زدن و برهم زنی است.

3. Icomos, 1983, P:G-5.

۴- بازیافت از لحاظ لغوی در فرهنگ دهخدا به معنای پیدا کردن و به دست آوردن است. و در فرهنگ معین، بازیافت به معنای آن چیزی است که بی زحمت و زنج به دست آمده باشد.

فوری آن چیزی را دارد که حیات فضای شهری را مختل کرده است. به سخن دیگر، بازیافت به معنای رفع خطر و بازگرداندن حیات مجدد به فضای شهری در کوتاه مدت، با استفاده از نیروی حیاتی موجود در فضا، مجموعه یا بنای شهری می‌باشد.

### ● مراقبت، جلوگیری و صیانت<sup>(۱)</sup> (Preservation)

این واژه به معنای، حفظ، نگهداری، ممانعت و جلوگیری کردن از خطر و آسیب‌هایی است که به کالبد یا عملکرد اثر وارد می‌شود و در نهایت به اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از خطرات احتمالی می‌انجامد. در این امر، بازرسی و بازرینی منظم، نگهداری، تعمیر، مطالعه انواع دگرگونی‌های سازه‌ای و تغییرات شکل‌های احتمالی و شناخت خطرات و آسیب‌های ناشی از فرسودگی و فرسایش فضا، مجموعه و بنا، از جمله عوامل مهمی است که مد نظر می‌باشد. این اقدام، بیش از آن که، اقدامی عملی محسوب شود، نوعی بازرینی و بازرنگری دائمی است که در بقای فضای شهری نقش مثبتی بازی می‌کند. گاهی دامنه این واژه آن قدر گسترش می‌یابد که از آن به عنوان امری آیینی یاد می‌شود، به طوری که مخالفت با آن و یا حتی بی توجهی به آن، نوعی عمل ضد آیینی محسوب می‌شود.

### ● حمایت<sup>(۲)</sup> (Protection)

این واژه به معنای ایجاد شرایط مناسب به منظور حفظ و نگهداری مداوم فضای شهری است. حمایت می‌تواند دربرگیرنده مجموعه اقداماتی نظیر تهیه و تدوین قوانین، جلب حمایت‌های دولتی، تعیین حوزه‌های حفاظتی و... بوده و اقدامات مرمتی و تعمیر را نیز شامل شود.

### ● استحکام بخشی<sup>(۳)</sup> (Consolidation)

استحکام بخشی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که توسط آن بتوان شاهد افزایش امنیت، قدرت و استحکام فضا، مجموعه و یا بنا بود. «هدف اساسی این عمل، بالا بردن میزان دوام و یکپارچگی در ساختار»<sup>(۴)</sup> سازمان فضایی است. در مقیاس فضای شهر و مجموعه شهری، این امر در استحکام بخشی استخوان بندی فضایی و در مقیاس بنادر استحکام بخشی و تقویت سازه بنا مطرح می‌گردد.

### ● توانبخشی (Rehabilitation)

توانبخشی به معنای تجدید توان، تجدید حیات و حتی تجدید حیثیت یک بافت کهن است. توانبخشی از طریق

تزریق فعالیت جدید در فضا سبب تجدید حیات بافت کهن می‌گردد، تجدید حیات یا تجدید حیثیت می‌تواند تبدیل به ابقا و ارتقای هویت شهر گردد. این واژه بیش از آن که امری عملی محسوب شود، امری مفهومی و روانی است.

### ● بهبود، سازماندهی و بازآبادانی<sup>(۵)</sup>

#### (Improvement)

این واژه به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که باعث تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی فضا، مجموعه و بنا شود. این اقدام با تأکید و با استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود در فضا، مجموعه و یا بنا، سعی در کاهش محدودیت‌ها و کاستی‌ها دارد. این اقدام می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی، مالی، فنی، اداری - اجرایی و کالبدی - فضایی را دربرگیرد.

### ● تجدید حیات<sup>(۶)</sup> (Revitalization)

این واژه شامل مجموعه اقدامات متنوع و تکمیلی است که برای بازگرداندن حیات مجدد و یا زندگی مجدد به بنا، مجموعه و یا فضای شهری مورد نظر صورت می‌پذیرد. این اقدامات می‌توانند در سازمان کالبدی - فضایی صورت پذیرد و سبب حذف یا اضافه نمودن بخش‌هایی از سازمان کالبدی - فضایی بافت کهن شوند، بی آن‌که به هیئت کلی آن خدشه‌ای وارد شده باشد. معاصر سازی مورد نظر در این اقدامات، تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی را شامل می‌شود.

۱- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ آکسفورد به معنای عمل نگهداری و پیشگیری است.

۲- از لحاظ لغوی، حمایت در فرهنگ لغات دهخدا به معنای نگاهبانی، پناه، پستی، حفاظت، یاری، نصرت و... می‌باشد. در فرهنگ معین به معنای نگاهبانی، پشتیبانی و حفاظت است. در فرهنگ آندراج، حمایت به معنای نگه داشتن، حمایت کردن، نگاهبانی کردن و باری دادن است. در فرهنگ آکسفورد، این واژه به معنای عمل نگهداری و ایجاد شرایط نگهداری است.

۳- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ آکسفورد به معنای محکم کردن، مطمئن ساختن و قوی کردن می‌باشد.

4. Icomos, 1983, p: G-4.

۵- از لحاظ لغوی، این واژه در دایرةالمعارف بریتانیکا و فرهنگ آکسفورد به معنای عمل یا فرآیند بهتر شدن است.

۶- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای تجدید حیات می‌باشد. تجدید حیات و یا احیا در فرهنگ لغات معین به معنای زنده کردن و زنده گرداندن است و در فرهنگ لغات آندراج تنها به معنای زنده کردن است.

## ● انطباق، به روز کردن<sup>(۱)</sup> (Adaptation)

این واژه را می‌توان معادل «به روز کردن» یا «به روز شدن» به کار گرفت. انطباق اصطلاحاً شامل سلسله اقداماتی است که با ایجاد شرایط مناسب در سازمان فضایی - کالبدی سازش میان کالبد و فضای کهن با نیازهای امروزی را سبب می‌گردد.

## ● تبدیل، دگرگونی (Conversion)

این واژه به معنای تغییر خط، تغییر جبهه، تغییر شکل، تغییر ماهیت و تغییر عقیده می‌باشد و مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که بتوانند به تغییرات از پیش گفته شده به نحوی پاسخ گویند که اختلال حادث شده از این تغییرات را از میان بردارند. در مرمت شهری این واژه در زمینه تغییر و تبدیل بنا، مجموعه و یا فضاهای کهن شهری به کار گرفته می‌شوند که نیاز به معاصر سازی دارند و می‌توان با هر یک از تغییرات مورد نظر، این امر را به انجام رسانید.

## ● حفاظت<sup>(۲)</sup> (Conservation)

این واژه به معنای حفاظت و نگهداری اثر در شکل طبیعی و اولیه خود است، به گونه‌ای که اثر بتواند به نیازهای امروزی پاسخ گوید و یا آن که با تغییراتی چند در شکل طبیعی به حیات خود ادامه دهد. حفاظت معمولاً برای جلوگیری از فرسایش طبیعی یا انسان ساخت صورت می‌گیرد. فرسایشی که می‌تواند به فروریزی اثر منجر شود. این تعریف، حفاظت را به معنای نو شدن دائمی نزدیک می‌کند.

## ● نو شدن<sup>(۳)</sup> (Renewal)

این واژه به معنای شکل دادن و با ارزش کردن مجدد یک فضای شهری، مجموعه و یا بناست که از طریق مداخله‌های کالبدی - فضایی صورت می‌پذیرد.

## ● احیا<sup>(۴)</sup> (Restoration)

این واژه به معنای یگانگی بخشیدن به همه بخش‌های از میان رفته اثر یا سازمان فضایی است، به گونه‌ای که بتوان کلیت خدشه دار شده را از نو ایجاد کرد. این امر امروزه در اقداماتی ویژه برای بناها یا مجموعه‌ها یا بافت‌های شهری بسیار با ارزش در مقیاس ملی و جهانی مطرح می‌شود. به سخن دیگر، احیا یا بازگشت به بنا، مجموعه و یا فضای شهری اولیه، سبب بازگرداندن حالت وجودی، ذاتی و اصلی به بنا، مجموعه و یا فضای شهری می‌گردد. این واژه خصوصاً برای بافت‌های تاریخی کهن و با ارزش به کار گرفته می‌شود «این عمل بر مبنای احترام به کیفیت قدیمی بنا و بر مستندات

اصیل آن استوار است»<sup>(۵)</sup> بنابراین در این اقدام بر ذکر تاریخ و مشخصات هر نوع مداخله‌ای، پس از زمان ساخت اصلی بنا، مجموعه و یا فضای شهری، تأکید می‌شود. امروزه احیاء، محدودیت‌های زمانی مفاهیم گذشته خود را در هم شکسته است و بر مفهومی کاملاً تحقیقی بر مبنای فرآیندی خلاقانه استوار است.

## ● تخریب<sup>(۶)</sup> (Demolition)

تخریب به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که قبل از هر گونه عمل بازسازی برای مهیا کردن زمین (بنا، مجموعه، بافت) مخروبه و یا متروکه انجام گیرد. این امر با آماده سازی زمین، امکان پیاده کردن طرح‌های بازسازی را فراهم می‌آورد. تخریب گاه برای یکپارچه سازی زمین و گاه در لابه‌لای سازمان فضایی موجود صورت می‌پذیرد.

## ● پاکسازی، آواربرداری<sup>(۷)</sup> (Clearance)

پاکسازی مجموعه عملیاتی است که برای مهیا کردن زمین فضاهای مخروبه در سازمان فضایی موجود صورت می‌پذیرد. آواربرداری می‌تواند برای روشن کردن خطوط سازمان فضایی کهن صورت پذیرد و یا در پی ایجاد سازمان

۱- از لحاظ لغوی، انطباق در فرهنگ لغات دمخدا به معنای موافق و برابر شدن با و یکسان گشتن با، می‌باشد. در فرهنگ آندراج، انطباق به معنای موافق، برابر شدن و به هم پیوستن است. این واژه در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای فرآیند ایجاد شرایط مناسب برای کاربری جدید یا موقعیت جدید است و در دایرةالمعارف بریتانیکا به معنای تطبیق چیزی به شکل جدید آن می‌باشد.

۲- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ آکسفورد به معنای جلوگیری کردن از ساختار زدایی، خسارت دیدن، تلف شدن و از بین رفتن است و در دایرةالمعارف بریتانیکا به معنای مراقبت و محافظت از یک اثر می‌باشد.

۳- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ آکسفورد به معنای زندگی مجدد اثر [بنا، مجموعه و فضا] پس از تحقق هدف یا اهداف مداخله یا مداخلاتی است که پس از یک دوره زمانی، به ارزش یافتن مجدد اثر بینجامد.

۴- این واژه از لحاظ لغوی در دایرةالمعارف هنر، به معنای بازگرداندن آثار هنری خراب شده به وضع و حالت اولیه آن می‌باشد این امر با توجه به سبک اصلی آثار و یا بصیرت و دقت کافی انجام شود و بنابراین مستلزم داشتن مهارت فنی زیاد، حساسیت زیبایی شناختی و دانش هنر است.

۵- ماده ۹ قطعنامه ونیز

۶- این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای فروریختن و از بین بردن است.

۷- این واژه در دایرةالمعارف بریتانیکا به معنای برداشتن ساختمان‌ها از یک محدوده فضایی مشخص می‌باشد.

فضایی جدید انجام شود.

● «بیان متفاوت» و «موقعیت دوباره یافتن»  
(Restatment)

این واژه به معنای بازگویی مفهوم به بیان دیگر است. این واژه در مرمت شهری، جایگاه ویژه‌ای دارد و در معاصر کردن سازمان فضایی کهن نقشی اساسی می‌یابد. این اقدام در پی بازگویی مفاهیم کهن - ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای شهری - در قالب‌های جدید به گونه‌ای است که این قالب‌ها بتوانند در عین به روز کردن مفاهیم کهن، محمل ورود آن‌ها به سازمان فضایی آتی شهر نیز باشند، به سخنی دیگر، این اقدام در پی فعال کردن دوباره یا دوباره بر پا نگه داشتن وضعیت اثر یا بافتی است که بیش از هر چیز کارآیی سنتی خود را از دست داده باشد. و از بازگشت مجدد اثر یا بافت به محیط پیرامونی و تجدید حیات آن نشان دارد.

کتابشناسی

- ۱ - دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲ - معین، محمد، ۱۳۶۲، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۳ - پادشاه، محمد، ۱۳۳۵، فرهنگ آنندراج. زیر نظر محمد دبیر سیاق، تهران: انتشارات کتابخانه خیام
- ۴ - روین پاکباز، ۱۳۷۸، دایرة المعارف هنر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

● دوباره سازی<sup>(۱)</sup> (Rebuilding)

دوباره سازی گاه به معنای ساخت مجدد و سازمان فضایی بر اساس آن چه از قدیم بوده است، می‌باشد (امری که امروز منسوخ است) و گاه به معنای ایجاد سازمان فضایی جدید بر اساس ارزش‌ها و معیارهای جاری و مرسوم و قابل انتقال به آینده.

● الگویابی مجدد (Remodeling)

این امر، در اثر اقدام مرمت شهری حادث می‌شود. در این اقدام معمولاً سعی می‌شود، الگویی جدید از سازمان فضایی به دست آید، به گونه‌ای که این الگوی تازه هم شکل‌های جدیدی را ارائه دهد، و فعالیت‌های تازه‌ای را سبب شود و همچنین فضایی دیگر گونه را مطرح سازد. الگویابی مجدد به اصلاح و ایجاد تغییرات در اثر نظر دارد. این کار می‌تواند هاله یا خطوطی از الگوی کهن را در خود داشته باشد ولی به معنای بازگشت مستقیم به همان الگو نیست. در واقع، این اقدام با نگاهی مجدد به سازمان فضایی کهن، الگویی جدید را مطرح می‌سازد. در الگوسازی مجدد، مرمت می‌تواند بدون توجه به سابقه تاریخی اثر نیز صورت پذیرد. «این اقدام ممکن است با این هدف انجام شود که اثر نقش فعلی خود را بهتر ایفا کند و یا ممکن است با هدف تغییر کاربری و عملکرد بنا انجام گیرد»<sup>(۲)</sup>

● «یکپارچه سازی» و «وحدت مجدد»

(Reintegration)

این اقدام در طی روند مربوط به از نو فعال شدن، ادغام و وحدت مجدد انجام می‌شود و در واقع زمانی حادث می‌گردد که بخش یا بخش‌هایی از سازمان فضایی موجود در عمل از چرخه روابط فضایی و زیستی خارج شده باشند و حیات مجدد بخشیدن به آن بخش یا بخش‌ها، از نو فعال کردن آن‌ها و پیوند مجدد آن‌ها به پیکره سازمان فضایی در دستور کار قرار داشته باشد. یکپارچه سازی و وحدت مجدد گاه می‌تواند در مقیاس کل بافت کهن در رابطه با کل شهر موجود صورت پذیرد. در این اقدام، یگانگی مجدد مدنظر بوده و فضای شهری در کلیت آن مراد می‌شود. در این اقدام، سود بردن از فعالیت‌ها و بناهای گذشته به معنای بازگشت به سازمان فضایی کهن، و روابط حادث از آن نخواهد بود، بلکه به معنای تعریف مجدد از سازمان فضایی موجود یا دیگر بخش‌های آن می‌باشد.

Britannica - com Inc c 1990-2000 file:// A:\ New Folder\ improvement. html

Icomos. 1983. Declartion of Rome, Rome: Icomos.

Crowther, J. (Ed). 1999. Oxford learners's Dictionary, Oxford: Oxford University Press

Merlin, P.& Choay, F. 1988. Dictionnaire de l'urbanisme et l'aménagement, Puf: Pariss.

Dudley, W. 1980. Encyclopedia of American Architecture, Cambridge: MIT Press.

۱- این واژه به لحاظ لغوی در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای ساختن و برپا کردن دوباره اثر و شکل دادن مجدد اثر است.

1. Dudley, w. 1980. Encyclopedia of American Architecture, cambridge: MIT Press.